



## فوزیه کوفی:

### افغانستان پس از ۲۰۰۱،

#### برای طالبان قابل هضم نیست

اطلاعات روز: فوزیه کوفی، عضو هیأت مذاکره کننده جمهوری اسلامی افغانستان می گوید که پیشرفت ها و واقعیت های پس از سال ۲۰۰۱ میلادی در افغانستان برای گروه طالبان...

صفحه ۲

### مدیر مسئول رادیو صدای غور

#### ترور شد

صفحه ۲

### از سرگیری گفت و گوهای صلح؛

#### اولویت مذاکرات چیست؟



صفحه ۴

### «مرد جعبه ای»

#### وولگردان شور بخت

صفحه ۸

یادداشت روز

### برکناری یا کناره گیری؟

برکناری احمدجواد عثمانی، وزیر صحت افغانستان خبرساز شده و گمانه های زیادی را در شبکه های اجتماعی به راه انداخته است. معلوم نیست که آقای عثمانی برکنار شده یا استعفا کرده است. در نامه ای «اشد محرم» ریاست عمومی اداره امور ریاست جمهوری که به رسانه ها درز کرده، آمده است که رئیس جمهور غنی استعفا نامه وزیر صحت عامه را دریافت و مطالعه کرده و گفته که «استعفا وزیر صاحب منظور است.» اما آقای عثمانی با انتشار ویدیویی گفته است که او استعفا نکرده و رئیس جمهور او را برکنار کرده است. ظاهراً دلیل برکناری وزیر صحت مسأله فساد است. کاری که از نظر آقای عثمانی توطئه سیاسی است. مسأله برکناری یا استعفا او در حالی مطرح می شود که دو روز پیش بستگان او به اتهام فساد بازداشت شده بودند.

شیوه عزل و برکناری وزیر صحت عامه پرسش برانگیز و مبهم به نظر می رسد. اگر رئیس جمهور آقای عثمانی را برکنار کرده، محتوای پر از تناقض نامه اداره امور ریاست جمهوری به چه معناست. برکناری کارمندان دولتی از صلاحیت رئیس جمهور است و این حق را قانون اساسی داده است و...

۲



غنی:

## برای وزارت صحت عامه سرپرست جدید تعیین می شود

صفحه ۲

### حمله ای افراد مسلح ناشناس

#### بر یک خانه در پروان؛

#### مادر کشته و پسر زخمی شدند

اطلاعات روز: مسئولان امنیتی در ولایت پروان می گویند که در نتیجه ی حمله ای افراد مسلح ناشناس بر یک خانه ی مسکونی در ولسوالی...

صفحه ۲

### کرونا در افغانستان؛ در شبانه روز گذشته ۱۰ نفر جان داده اند

صفحه ۲



توزار

### دو سال تأخیر؛

#### طرح همسان سازی معاش کارمندان دولتی به کجا رسیده است؟

نهایی نشده و معلوم نیست که چه وقت نهایی و در ادارات دولتی افغانستان تطبیق خواهد شد. همچنان این موضوع در چند نشست اخیر مجلس نمایندگان به بحث گرفته شده و مجلس می گوید که طرح همسان سازی معاش کارمندان دولتی را | صفحه ۴

تحلیل



### تقلیل کارکردهای پارلمان زیر سایه سنگین اتهامات فساد

«قدرت فساد می آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق. مردان بزرگ همیشه مردان بدی اند، حتا وقتی که به جای اقتدار از نفوذ خود استفاده می کنند.» زمان زیادی از این جمله معروف جان اکتون، فیلسوف و مورخ انگلیسی می گذرد. تاریخ سیاسی و اجتماعی برخی جوامع | صفحه ۵

### یک عضو

#### رهبری «شورای

#### هزاره های اهل

#### سنت افغانستان»

#### در کابل ترور شد

صفحه ۲



ترجمه

### فیسبوک «ماشین

#### روز قیامت» است (۲)

گلنتر می گوید: «در گذشته مقامات امریکایی دست کم می توانستند مثلاً پروپاگاندای نازی ها را در طول جنگ جهانی دوم مطالعه کنند و آنچه را که نازی ها می خواستند مردم باور کنند، کاملاً درک کنند. امروز کار از «حباب فیلتر» گذشته و به «کفن فیلتر» رسیده است. من حتا نمی دانم دیگران در تجربه شخصی چه چیزی را در فیسبوک می بینند.» «ماری مک کورد»، دیگر کارشناس این حوزه که رئیس حقوقی «انستیتوت دادخواهی و محافظت قانونی» در دانشکده حقوق جورج تاون است به من گفت که او معتقد است شاید skun از نظر ترویج خشونت بی ملاحظه تر باشد، اما فیسبوک به خاطر وسعتی که دارد «از جهاتی بدتر است.» او می گوید: «ورود به فیسبوک هیچ مانعی ندارد. در هر موقعیتی که خشونت افراطی رخ داده باشد و ما به فیسبوک رفته باشیم حتماً پست های فیسبوکی مرتبط با آن را دیدیم. پست هایی که همزمان به...»

۳

بسته های ویژه اینترنتی برای  
بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی





ادامه‌یادداشت‌روز

نیازی نیست که نهاد ریاست‌جمهوری برای برکناری کارمندان دولتی به دروغ متوسل شود. آنچه که از ماجرای خبرساز آقای عثمانی به‌دست می‌آید این است که او از وزارت عزل شده و خودش کناره‌گیری نکرده است. در شروع نامه‌ی اشد مجرم اداره امور ریاست‌جمهوری غنی گفته است که استعفای آقای وزیر صحت را در یافت کرده، درحالی‌که آقای عثمانی تأکید دارد به‌رغم دو بار تماس تلفنی غنی و درخواست استعفا، او استعفانامه‌ای به رییس‌جمهور نفرستاده است. مسأله‌ی برکناری پرسش‌برانگیز وزیر صحت عامه افغانستان اولین‌بار نیست که خبرساز می‌شود. با شروع حکومت وحدت ملی که آقای غنی به قدرت رسید، به تصفیه حساب با تعدادی از کارمندان دولتی شروع کرد. این رویه کماکان در طول حکومت وحدت ملی ادامه یافت. رییس‌جمهور شماری زیادی از اعضای حکومتی را یا عزل کرد یا همزمان با عزل به نهادهای عدلی و قضایی معرفی کرد. تا جایی که شیوه برکناری کارمندان دولتی، از رده‌های بالا تا پایین‌ترین مراتب حکومتی به یک اصل در برنامه حکومت وحدت ملی بدل شد.

اتهام آقای عثمانی و دلیل برکناری او مسأله‌ی فساد و نقش ضعیف او در برخورد با این پدیده خوانده شده است. فساد در افغانستان برای هیچ کسی پوشیده نیست. افغانستان بر مبنای شاخص‌های ارزیابی فساد، در صدر فهرست قرار دارد. ولی آنچه این برخوردها و برکناری‌ها را با سوال بزرگ روبه‌رو می‌کند، این است که آیا واقعا برخورد رییس‌جمهور غنی با افرادی که به گمان او آلوده با فسادند، همین مسأله است یا بحث‌های دیگری پشت پرده وجود دارد. در زمان حکومت وحدت ملی آتش اصلاح‌طلبی آقای غنی بیشتر دامن وزرایی را می‌گرفت که مربوط به جناح سبیدار بود. رییس‌جمهور مسأله مبارزه با فساد را بدل به یک کارت سیاسی کرده بود. در جنجال تازه، جواد عثمانی از افراد مورد حمایت آقای نور است در واقع این وزارت سهم آقای نور در بدل حمایت او از غنی در بازی‌های انتخاباتی بود. این مسأله که برکناری آقای عثمانی با اختلاف عطامحمد نور با معاون اول رییس‌جمهور و در کل ارگ ارتباط دارد، در محافل سیاسی گرم است.

تصفیه سیاسی زیر نام فساد می‌تواند ویرانگر باشد. بیشتر از این چهره حکومت را در پیشگاه مردم مخدوش می‌کند. از طرف دیگر، این کار نه‌تنها به مبارزه با فساد کمکی نخواهد کرد که بیشتر ارگ را در معرض اتهام برخورد سیاسی با فساد قرار می‌دهد.

### کرونا در افغانستان؛ در شبانه‌روز گذشته ۱۰ نفر جان داده‌اند

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که در بیست‌وچهار ساعت گذشته ۱۲۱۸ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا را تست کرده است که نتایج آزمایش ۷۳ نمونه‌ی آن مثبت تشخیص شده است.

این تعداد موارد مثبت کرونا در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، تخار، پکتیا، قندوز، پروان، بادغیس، میدان‌وردک، کاپیسا، غور، زابل، ارزگان و فاریاب به ثبت رسیده است.

با ثبت این رویدادها، شمار مجموعی مبتلایان به ویروس کرونا در افغانستان از نخستین روز شیوع این ویروس تاکنون به ۵۲ هزار و ۵۸۶ نفر رسیده است.

براساس معلومات وزارت صحت عامه، در بیست‌وچهار ساعت گذشته ۱۰ مورد مرگ ناشی از کرونا در کشور به ثبت رسیده است.

این تعداد افراد در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، پروان و پکتیکا به دلیل ابتلا به کووید۱۹ جان باخته‌اند.

شمار مجموعی فوتی‌های ناشی از مرضی کووید۱۹ در افغانستان تا دیروز به دوهزار و ۲۱ نفر افزایش یافته است.

همچنان، در یک شبانه‌روز گذشته ۱۶۹ مرضی کووید۱۹ در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، پکتیا، بادغیس و قندوز بهبود یافته‌اند.

به این ترتیب، شمار بهبودیافتگان ویروس کرونا در کشور به ۴۲ هزار و ۱۷۵ نفر افزایش یافته است.

اطلاعات روز: در پی برکناری احمدجواد عثمانی از وزارت صحت عامه، محمدشرف غنی، رییس‌جمهوری کشور می‌گوید که برای این وزارت سرپرست جدید تعیین می‌شود.

ارگ ریاست‌جمهوری با نشر خبرنامه‌ای گفته است که آقای غنی این موضوع را شام دو روز پیش (پنج‌شنبه، ۱۱ جدی) در دیدار با معینان و مسئولان وزارت صحت عامه در مقر این وزارت مطرح کرده است.

به نقل از خبرنامه، او «وضعیت پیش‌آمده» در وزارت صحت عامه را «غمناک» و توهین‌آمیز خوانده، افزوده است: «در این وزارت شخص سیاسی نمی‌آید، سرپرست تعیین می‌شود و یک مسئول مسلکی خواهید داشت.»

رییس‌جمهور همچنان تأکید کرده است که تمامی تغییرات و تعیینات در وزارت صحت عامه باید براساس قانون صورت گیرد و بدون

امضای او تمامی فهرست‌های مقرری‌ها بی‌اعتبار می‌باشد.

به گفته‌ی او، فضای کاری در وزارت صحت عامه باید فضای همکاری، همدلی و همبستگی باشد و همچنان اراده‌ی محکم برای اصلاح وجود داشته باشد.

آقای غنی گفته است که معیارها واضح می‌شود، رفتارهای سلیقه‌ای صورت گرفته نمی‌تواند و در روند قراردادهای شش ماه گذشته نیز تجدیدنظر صورت می‌گیرد.

او افزوده است که باید در وزارت صحت عامه سیستم واضح مدیریت الکترونیک منابع ایجاد شود. همچنان به گفته‌ی او، برنامه‌ی مبارزه با پولیو و سایر برنامه‌های واکسین در داخل وزارت می‌آید و کارهای موازی نیز متوقف می‌شود.

رییس‌جمهور غنی درحالی از تعیین سرپرست جدید برای وزارت صحت عامه خبر می‌دهد که دو روز پیش احمدجواد عثمانی

## برای وزارت صحت عامه سرپرست جدید تعیین می‌شود

غنی:

در صفحه‌ی فیس‌بوک خود گفته بود که او از مقامش استعفا نکرده، اما مکتوبی را از آدرس اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری دریافت کرده که در آن استعفایش منظور شده است. همچنان آقای عثمانی در یک پیام ویدیویی گفته است که رییس‌جمهور غنی دو روز پیش و دیروز از او خواسته است که از مقامش استعفا بدهد، اما او با ارائه‌ی دلیل از استعفا خودداری کرده است.

در مکتوب اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری عنوانی وزارت صحت عامه که روز پنج‌شنبه، ۱۱ جدی صادر شده، آمده است که رییس‌جمهور اشرف غنی استعفای احمدجواد عثمانی، وزیر صحت عامه را منظور کرده است.

در مکتوب همچنان آمده است: «استعفای وزیر صاحب منظور است و هر مدیری که تحت نظارتش فساد گسترده واقع شود مسئول است اگر ابهام وجود داشته باشد،

### یک عضو رهبری «شورای هزاره‌های اهل سنت افغانستان» در کابل ترور شد

است که او از جوانان فعال و مردمی ولسوالی نهرین ولایت بغلان بوده و از سال‌ها به این طرف در مقابل هر نوع بی‌عدالتی و تبعیض مبارزه کرده است.

شورای سراسری هزاره‌های اهل سنت افغانستان همچنان کشته‌شدن عابد جاهد را یک ضایعه‌ی بزرگ خوانده و خواهان بازداشت و به‌محاکمه‌کشاندن عاملان ترور او شده است. در همین حال، محمد محقق، رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان گفته است که عابد جاهد عضو این حزب بوده و سال‌ها برای تأمین عدالت اجتماعی و «تثبیت جایگاه سیاسی و عادلانه‌ی هزاره‌ها» در کشور مبارزه‌ی سیاسی و فرهنگی کرده است. هنوز مسئولیت ترور این عضو شورای رهبری هزاره‌های اهل سنت افغانستان را شخص و یا گروهی به عهدہ نگرفته است.

فوزیه کوفی:

## افغانستان پس از ۲۰۰۱، برای طالبان قابل هضم نیست

این گفته‌ها درحالی مطرح می‌شود که قرار است دور بعدی مذاکرات صلح دولت افغانستان با گروه طالبان تا چهار روز دیگر (۱۶ جدی) آغاز شود. این مذاکرات در ۲۲ سنبله‌ی سال جاری در دوحه گشایش یافت. حدود سه ماه زمان گرفت تا هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان روی طرزالعمل مذاکرات به توافق برسند. هیأت‌های دو طرف پس از توافق روی طرزالعمل، به‌منظور مشورت‌های بیشتر روی آجندای مذاکرات، به توقف سه هفته‌ای مذاکرات توافق کردند.

افزود که موانع عمده بر سر راه دستیابی به صلح مبتنی بر عدالت و کرامت، عدم آمادگی طرف طالبان برای توافق بر یک نظام مبتنی بر عدالت و انصاف است.

آقای احمدی اما تأکید کرد که این آمادگی در جانب جمهوری اسلامی افغانستان وجود دارد. او افزود: «در جمهوری اسلامی [افغانستان] این آمادگی وجود دارد که بتوانیم همین نظام جمهوری کنونی را به گونه‌ای بیکربندی مجدد کنیم که طالبان در چارچوب این سیستم و نظام از جایگاه خوبی برخوردار باشند.»

او تأکید کرد که تنوع و تکثر لازمه‌ی یک جامعه‌ی انسانی است و این گروه با پذیرفتن آن باید با زندگی در جامعه‌ی افغانستان آماده شود.

در همین حال، محمدامین احمدی، عضو دیگر هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان نیز در این نشست گفت که دیدگاه گروه طالبان معطوف به نوعی از اراده‌ی قدرت است که با نظام سیاسی مبتنی بر «انصاف» و «عدالت» فاصله دارد.

او «انصاف» و «عدالت» را اساس نظام سیاسی عادلانه و «مشارکت‌پذیر» خوانده،

اطلاعات روز: فوزیه کوفی، عضو هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان می‌گوید که پیشرفت‌ها و واقعیت‌های پس از سال ۲۰۰۱ میلادی در افغانستان برای گروه طالبان قابل درک نیست.

خانم کوفی که دیروز (جمعه، ۱۲ جدی) در نشستی تحت نام «چشم‌انداز صلح» در کابل صحبت می‌کرد، کثرت‌گرایی، تنوع گروه‌های اجتماعی، مدنی و سیاسی و آزادی‌های فردی را از جمله‌ی واقعیت‌های دو دهه‌ی اخیر در کشور خواند و گفت که طالبان هنوز این واقعت‌ها را «هضم» نمی‌توانند.

### حمله‌ی افراد مسلح ناشناس بر یک خانه در پروان؛ مادر کشته و پسر زخمی شدند

آقای هاشمی افزود که در این حمله‌ی افراد مسلح، یک پسر ۲۳ ساله‌ی این زن زخمی شده است. این فرد هم‌اکنون برای درمان به شفاخانه منتقل شده است.

از سوویی هم، او گفت که براساس اظهارات اعضای این خانواده، حمله‌کنندگان دو نفر بوده‌اند. او تأکید کرد که این قضیه تحت بررسی پولیس قرار دارد و تلاش پولیس برای بازداشت عاملان آن نیز آغاز شده است. مسئولیت این رویداد را هنوز شخص و یا گروهی به عهدہ نگرفته است.

### مدیرمسئول رادیو صدای غور ترور شد



کشته می‌شود. پیش از این در تاریخ ۱ جدی، رحمت‌الله نیکزاد، رییس اتحادیه‌ی خبرنگاران ولایت غزنی و خبرنگار تلویزیون «الجزیره» و «سوشیتدپرس» در شهر غزنی کشته شد.

فردین امینی، گوینده‌ی تلویزیون آریانا نیوز نیز در ۲۱ قوس در شهر کابل کشته

شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حفاظت از خبرنگاران در این کشور شده است. این سازمان گفته که او نخستین روزنامه‌نگاری می‌باشد که در سال ۲۰۲۱ میلادی کشته شده است.

بسم‌الله عادل ایماق، هفتمین خبرنگاری است که در کم‌تر از دو ماه گذشته در کشور



آدرین لافرانس، آتلانتیک

مترجم: جلیل پژواک

گلنزر می‌گوید: «در گذشته مقامات امریکایی دست‌کم می‌توانستند مثلا پروپاگاندای نازی‌ها را در طول جنگ جهانی دوم مطالعه کنند و آنچه را که نازی‌ها می‌خواستند مردم باور کنند، کاملا درک کنند. امروز کار از «حباب فیلتر» گذشته و به «کفن فیلتر» رسیده است. من حتا نمی‌دانم دیگران در تجربه شخصی چه چیزی را در فیسبوک می‌بینند.» «ماری مک‌کوردر»، دیگر کارشناس این حوزه که رییس حقوقی «انستیتوت دادخواهی و محافظت قانونی» در دانشکده حقوق جورج تاون است به من گفت که او معتقد است شاید 8kun از نظر ترویج خشونت بی‌ملاحظه‌تر باشد، اما فیسبوک به خاطر وسعتی که دارد «از جهاتی بدتر است.» او می‌گوید:

«ورود به فیسبوک هیچ مانعی ندارد. در هر موقعیتی که خشونت افراطی رخ داده باشد و ما به فیسبوک رفته باشیم حتما پست‌های فیسبوکی مرتبط با آنرا دیدیم. پست‌هایی که همزمان به میلیون‌ها کاربر می‌رسد. وسعت همان چیزی است که مردم را به دام می‌اندازد و افراط‌گرایی را عادی می‌سازد و آنرا به جریان اصلی تبدیل می‌کند.» به عبارت دیگر این مقیاس میلیونی است که فیسبوک را اینقدر خطرناک ساخته است. نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که مسیر زاک‌برگ به سمت سلطه بر جهان اجتناب‌ناپذیر بوده است. او صنف ۹ بود که نسخه رایانه‌ای بازی «خطر: بازی تسخیر جهان» را کدنویسی کرد. او علاقه‌ی دیرینه به امپراتوری روم دارد. وسواس او در مورد جریان اطلاعات و روان‌شناسی انسان قابل‌توجه است. ماجرای اولین رسوایی اینترنتی وی، زمانی که او به سیستم‌ها وارد رخنه کرد و عکس دانشجویان را بدون اجازه‌شان برای ایجاد وب‌سایت FaceMash دزدید، هنوز تازگی دارد (بعدا زاک‌برگ آسان‌بودن ورود به سیستم‌ها را «بازی کودکان» توصیف کرد). تضاد بین حرف او در مورد حریم خصوصی و نحوه کارکرد فیسبوک را نمی‌توان نادیده گرفت. او در مقاطع متعدد طی این سال‌ها کلیدواژه‌هایی همچون «آرزوی از بین بردن»، «حداقل‌گرایی»، «ساخت اشیا»، «شکستن اشیا»، «انقلاب‌ها»، «گشایش»، «رشد نمایی»، «پویایی‌های اجتماعی» و «سلطه» را به‌عنوان «علائق» خود در حساب فیسبوکش لیست کرده است.

مقیاس میلیونی فیسبوک زاک‌برگ را نفوذ بی‌پیشنه بر جهان برخوردار کرده است. اگر او قدرت‌مندترین فرد روی کره زمین نباشد، بسیار نزدیک است. گلنزر گفت: «داشتن قدرت به‌گفتار آوردن، ساکت‌کردن و اجازه‌دادن در این حد دیوانه‌کننده است. این که مالک نهایی الگوریتم‌هایی باشی که دامنه دیده‌شدن هر چیزی را در اینترنت تعیین می‌کنند، به کنار. چیزی که او بر آن نظارت می‌کند چنان تأثیری بر شناخت و باورهای مردم دارد که می‌تواند تعیین کند مردم چه کاری را با سلاح هسته‌ای یا دالر خود انجام دهند.»

هیئت نظارتی جدید شرکت فیسبوک که در پاسخ به انتقادات از این پلتفرم ایجاد شده و وظیفه تصمیم‌گیری در مورد مدیریت محتوا و آزادی بیان است، در ادامه گسترش قدرت فیسبوک است. گلنزر می‌گوید: «ده تصمیمی اولی که این هیئت می‌گیرد نسبت به ۱۰ تصمیم بعدی دادگاه عالی ایالات متحده تأثیر به مراتب بیشتری بر آزادی بیان در ایالات متحده و جهان خواهد داشت. این قدرت است. قدرت واقعی.»

در سال ۲۰۰۵، سالی که من به فیسبوک پیوستم، این سایت همچنان خودش را به‌عنوان پلتفرم آنلاینی که در آن کاربر می‌تواند «هم مدرسه‌ای‌هایش را جستجو کرد. شناخت مردم از یکدیگر را مشاهده کند. هم‌کلاسی‌ها و هم‌گروهی‌هایش را پیدا کند» معرفی می‌کرد. تابستان همان سال زاک‌برگ در «پالو آلتو» با یک فیل‌مساز جوان مصاحبه کرد. کلیپ این مصاحبه بعدا در یوتیوب قرار گرفت. در این مصاحبه می‌توان دید که برای زاک‌برگ هنوز معلوم نیست فیسبوک قرار است چه چیزی باشد. این گفت‌وگو یادآور بی‌اطمینانی زاک‌برگ جوان هنگام راه‌اندازی فیسبوک است. (کلیپ وقتی شروع می‌شود که زاک‌برگ می‌پرسد: «باید آبجوام را پایین بگذارم؟») او در آن‌زمان ۲۱ ساله بود. مالک فیسبوک در ۲۱ سالگی چیزی راجع به شرکت خود بیان کرد که تا امروز با اثرات خطرناکی که داشته صدق می‌کند: او گفت فیسبوک یک مکان واحد در اینترنت نه بلکه «جوامع متعددی از افراد مختلف است.»

این «جوامع» امروز شامل گروه‌های کیوانان و سایر گروه‌های افراطی می‌شود که در فیسبوک فعالند. در آن‌زمان فیسبوک بیشتر برای ابراز هویت نوجوانان در گروه‌هایی مانند «به یک مدرسه دولتی رفتم... عوضی» و در هاروارد (با اشاره به کتابخانه نئوکلاسیک اصلی این دانشگاه) «گروه ما نیاز به سکس در کتابخانه «ویندر» پیش از فراغت‌مان داریم» بود. از زاک‌برگ در مصاحبه‌ی سال ۲۰۰۵ اش درباره آینده‌ی فیسبوک پرسیده شد و پاسخ او اکنون که به گذشته نگاه می‌کنیم، حسی شبیه به یک فاجعه را دارد. او در پاسخ گفت: «منظور من این است که لزوما نیاز نیست چیز دیگری از این دست وجود داشته باشد. ببینید مردمان

## فیسبوک «ماشین روز قیامت» است (۲)



یک پلتفرم اجتماعی به کار بریم، با چه عددی مواجه خواهیم شد؟

«اتان زاک‌رمن»، نویسنده و پژوهش‌گر اینترنت که بیشتر عمر بزرگسالی‌اش را صرف اندیشیدن درباره ساختن یک وب بهتر کرده است، به من گفت: «فکر می‌کنم این عدد در پلتفرم اجتماعی ۲۰ تا ۲۰ هزار نفر است. پس از آن دشوار است که سطحی از ارتباط واقعی تان را حفظ کنید.»

به عبارت دیگر اگر عدد دانبار برای اداره یک شرکت یا حفظ یک زندگی اجتماعی منسجم ۱۵۰ نفر باشد، رقم جادویی یک پلتفرم اجتماعی کاربردی احتمالا ۲۰ هزار نفر است. اما فیسبوک اکنون ماهانه ۲۰۷ میلیارد کاربر فعال دارد.

در سال ۲۰۰۷ هنگام رشد نمایی فیسبوک زاک‌برگ در مصاحبه‌ای با لس‌آنجلس تایمز سخنی را به زبان آورد که در زمینه‌ی اکنون معنای بسیار تاریک‌تری به خود می‌گیرد. او گفت: «چیزهایی که قدرتمندترین هستند، چیزهایی نیستند که مردم آنرا در جایی غیر از فیسبوک طور دیگری انجام می‌دادند. قدرتمندترین چیزها چیزهایی هستند که در غیر از فیسبوک هرگز اتفاق نمی‌افتند.»

در فهرست بسیاری از کارهایی که بشر به‌طور مداوم در انجام آن کم آمده است، مشاهده آینده تقریبا در صدر فهرست قرار دارد. این نقص در میان متفکران مرگ میلیونی مانند هرمان کاهن و همکاران وی در «سازمان رند» در دهه ۱۹۶۰ که اقتصاددانان، ریاضی‌دانان و افسران سابق ارتش بودند به یک مشغله فکری تبدیل شد. کاهن و همکارانش به ابداع آینده‌گرایی مدرن، که زاده‌ی وحشت وجودی بمب بود و با این درک که بیشتر نوآوری‌ها ماهیت افقی دارند (یعنی کپی آنچه در حال حاضر وجود دارد، اند نه چیزی کاملا جدید) تقویت شد، کمک کردند. اختراع واقعی فوق‌العاده نادر و به مراتب مخمل است.

منطق‌دان و فیلسوف «ولاف هلمر هیرشبرگ» که با کاهن در رند مدت زمانی همکار بود و بعدا «موسسه‌ای برای آینده» را تأسیس کرد، کسی بود که از دست نازی‌ها به کالیفرنیا گریخته بود. تجربه‌ای که باعث شد او بخواهد به آینده به‌عنوان نوعی امر فوری خاص نگاه کند. او معتقد بود که تسریع تغییرات فناوری نیاز به یک رویکرد معرفتی جدید را در حوزه‌هایی مانند مهندسی، پزشکی، علوم جتماعی و غیره ایجاد کرده است. او نوشت: «دیگر تکامل الگوی جدیدی از شرایط زندگی، نسل‌ها زمان نمی‌برد. ولی ما چندین تغییر اساسی را در زندگی خود طی خواهیم کرد و فرزندان ما باید با «سازگاری مداوم» به‌عنوان شیوه‌ی زندگی سازگاری پیدا کنند.» او در سال ۱۹۶۵ کتابی به نام «فناوری اجتماعی: نوشت که هدفش ایجاد روشی علمی

برای پیش‌بینی آینده بود. در همان سال‌ها کاهن در آرزوی ساختن ماشین فرضی خود بود تا چارچوب فلسفی را برای تهدیدهای جدیدی که بشریت با آن روبرو بود فراهم کند. او آن را «ماشین روز قیامت» و همچنین «ماشین روز قیامت در شتاب» و همچنین «ماشین پیمان کشتار» نامید. «استنلی کوبریک» این مفهوم را برای فیلم «دکتر استرنجلاو» وام گرفته است. دکتر استرنجلاو، ستایشی سینمایی از تقدیرگرایی است که زندگی در مواجهه با نابودی هسته‌ای به همراه آورد.

تقدیرگرایی امروز در مورد شکنندگی اینترنت حس مشابهی دارد. ما هنوز در مرحله ابتدایی انقلاب دیجیتال سه‌گانه اینترنت، تلفن هوشمند و شبکه اجتماعی قرن هستیم و خودمان را در محیط اطلاعاتی خطرناک و ناپایدار یافته‌ایم. محیطی که در آن ما از مقاومت در برابر نیروهای سؤاستفاده‌گر که می‌دانیم بر ما اعمال می‌شود، اما اکثرا نامرئی باقی می‌ماند، ناتوان هستیم. ماشین روز قیامت درسی به ما می‌دهد، این که ما نباید شرایط فعلی را بپذیریم. هیچ دستگاه واحدی نباید قادر به کنترل این قدرت آدم باشد.

اگر عصر خرد تا حدی واکنشی به پیدایش چاپ‌خانه بود و آینده‌گرایی دهه ۱۹۶۰ واکنشی به بمب اتمی، ما برای زندگی در عصر شبکه اجتماعی به چارچوب فلسفی و اخلاقی جدیدی نیاز داریم. به یک عصر «روشن‌گری» جدید در عصر اطلاعات و داده؛ شروعی که ما را به واقعیت مشترک و تجربه‌گرایی بازگرداند.

«اترو بوسورث»، از مدیران دیرینه فیسبوک این شبکه را با شکر (Sugar) مقایسه کرده است. از این جهت که شکر «خوشمزه» است اما بیشترین لذت را وقتی دارد که حد میانه را در مصرف آن در نظر داشته باشیم. او در یادداشتی که سال گذشته در شبکه داخلی فیسبوک پست شد، در راستای داشتن فلسفه مسئولیت شخصی استدلال کرده است. او نوشته: «پدر بزرگ من چنین موضعی را نسبت به بیکن اتخاذ کرد و من او را به خاطر آن تحسین می‌کنم. و رسانه‌های اجتماعی احتمالا بسیار کمتر کشنده‌تر از بیکن هستند.» اما دیدن فیسبوک صرفا به‌عنوان وسیله‌ای برای مصرف فردی، این واقعیت را که فیسبوک یک شبکه است، نادیده می‌گیرد. فیسبوک همچنین یک «بیزنس» و جایی است که مردم در آن با یکدیگر وقت می‌گذرانند. به عبارتی دیگر، اگر شما صاحب فروشگاه‌های بودید و شخصی وارد آن می‌شد و شروع به فریادزدن پروپاگاندای نازی یا جذب تروریست درحالی که کنار صندوق پول‌تان ایستاده، می‌کرد، آیا شما به‌عنوان صاحب مغازه دوست داشتید به مشتریان‌تان بگویید که نمی‌توانید مداخله کنید؟

هرکسی که به‌طور جدی به فکر کاهش دادن ضرر شبکه‌های اجتماعی برای بشریت است، باید به فکر ترک‌کردن فیسبوک و اینستاگرام و توییتر و هر محیط اطلاعاتی تحریف شده الگوریتمی دیگری باشد که از مردم سوءاستفاده می‌کند. ولی ما باید دید وسیع‌تری درباره آنچه انجام آن برای رفع خرابی و شکنندگی شبکه اجتماعی لازم است، اتخاذ کنیم. این کار مستلزم به چالش کشیدن منطق پلتفرم‌های امروزی و در درجه اول مستلزم به چالش کشیدن مفهوم مقیاس میلیونی به‌عنوان راهی که انسان‌ها را جمع می‌کند، است. اگر مقیاس میلیونی همان چیزی باشد که به فیسبوک قدرت می‌دهد و این پلتفرم را خطرناک می‌سازد، اقدام جمعی در برابر وب امروز برای آوردن تغییر ضروری است. منطق موجود وب می‌گوید که پلتفرم‌های اجتماعی در ازای دریافت پاره‌ای از داده‌های کاربر رایگان هستند، این که شبکه‌های جریان اصلی لزوما جهانی و متمرکز هستند، این که ناظران قوانین را وضع می‌کنند. اما هیچ‌یک از این کارها لازم نیست. ما به افرادی نیاز داریم که با ساختن گزینه‌های بدیل این مفاهیم را از بین ببرند. و ما به افراد کافی نیاز داریم که از این گزینه‌های بدیل برای شکستن طلسم مبادرت‌ها و توجه گسترده‌ای مقیاس میلیونی را تقویت می‌کند و منجر به تقدیرگرایی در مورد وب امروزی می‌شود، مراقبت کنند.

من هنوز معتقدم که اینترنت برای بشریت مفید است، اما این مفیدیت «به‌رغم» شبکه‌های اجتماعی است نه «به دلیل آن». ما باید راهی را برای ترمیم جنبه‌های جامعه و فرهنگ مان که از شبکه‌های اجتماعی آسیب دیده است پیدا کنیم. این کار مستلزم استقلال فکری، بحث محترمانه و همان سرکشی است که قرن‌ها پیش به تثبیت ارزش‌های روشننگری کمک کرد.

ما شاید نتوانیم آینده را پیش‌بینی کنیم، اما می‌دانیم که آینده چگونه ساخته می‌شود: از طریق اختراع‌های نادر و واقعی، با توجه به نیاز زمان و مردم. درحال حاضر افراد زیادی به الگوریتم‌ها و غول‌های فناوری اجازه می‌دهند از آن‌ها سوءاستفاده شود، که در نتیجه واقعیت از چنگ و درک ما خارج می‌شود. ماشین روز قیامت قرن این جاست و فعال.

اما لازم نیست این‌طوری باشد.

آدرین لافرانس سردبیر اجرایی نشریه آتلانتیک است. او قبلا نویسنده و دبیر ارشد آتلانتیک و سردبیر وب‌سایت این نشریه بود.

پایان.

اگر عصر خرد تا حدی واکنشی به پیدایش چاپ‌خانه بود و آینده‌گرایی دهه ۱۹۶۰ واکنشی به بمب اتمی، ما برای زندگی در عصر شبکه اجتماعی به چارچوب فلسفی و اخلاقی جدیدی نیاز داریم، به یک عصر «روشن‌گری» جدید در عصر اطلاعات و داده؛ شروعی که ما را به واقعیت مشترک و تجربه‌گرایی بازگرداند.



نمایندگان مجلس نیز در چند نشست اخیر خود به شدت از معاش نابرابر کارمندان دولتی انتقاد کرده و برخی از آنان گفتند تا زمانی که طرح همسان‌سازی معاش کارمندان دولتی اجرایی نشود، مجلس نباید بودجه سال مالی ۱۴۰۰ را تصویب کند.

در حال حاضر مجلس نمایندگان طرح بودجه سال مالی آینده را بررسی می‌کند.

رمضان بشردوست، یکی از اعضای مجلس نمایندگان در یکی از نشست‌های عمومی مجلس گفت که معاش معلمان، مأموران، اجیران، سربازان نیروهای امنیتی و حقوق افراد دارای معلولیت، ۱۰ سال می‌شود که در یک سطح است و افزایش نیافته، در حالی‌که معاش نمایندگان مجلس از ۵۰ هزار افغانی در سال ۱۳۸۴ به ۲۴۰ هزار افغانی، معاش CBR، سوپراسکیل و NTA و معاش وزیران به سه صد هزار افغانی رسیده است. آقای بشردوست افزود این وضعیت درحالی‌ست در این سال‌ها نرخ کالا به صورت سرسام‌آور افزایش یافته است: «ما از مردم نه، بلکه فقط از خود نمایندگی کردیم. ما فقط از مقام‌های بلندپایه دولتی نمایندگی کردیم. اگر ما واقعا می‌خواهیم از مردم نمایندگی کنیم، چون بودجه سال مالی ۱۴۰۰ در کمیسیون مالی زیر بررسی است، پیشنهاد می‌کنم معاش پنج هزار را به ۱۰ هزار بلند ببریم. معاش CBR، سوپراسکیل و NTA حذف شود. معاش چند هزار دالری مقام‌های بلندپایه کم شود.»

وزارت مالیه می‌گوید که در حال حاضر چند نوع معاش «سوپر اسکیل، پروژه تغییر، رتب و

معاشات، معاشات امتیازی از طریق ضرایب» به کارمندان دولتی پرداخت می‌شود. مقدار این

معاشات تا چند برابر باهم تفاوت دارد.

حمیدالله حنیف، نماینده مردم هرات در مجلس با انتقاد از معاش نابرابر کارمندان دولتی گفت که معاش استادان و مأموران دولتی هشت و ۱۰ هزار و معاش سرباز ۱۲ هزار افغانی است، اما هر وزارت‌خانه ده‌ها و صدها مشاور دارد که اکثرشان خیالی است، اما معاش هر کدام آنان بیش از دو صد هزار افغانی است: «چقدر خوب است که خانه ملت برای ازدیاد معاش معلمان، مأمورین، خانواده شهدا و سربازان تصمیم بگیرد. معاش‌های که بسیار بلند است و با عواید این جامعه مطابقت ندارد، پایین آورده شود و معاش کسانی‌که پایین است، بالا برده شود، تا همه کسانی‌که در این سرزمین زندگی می‌کنند، لقه نانی برای زندگی کردن داشته باشند. تا زمانی‌که معاش‌های هوایی کم نشود و معاش معلمان، مأموران، سربازان و خانواده‌های شهدا و سربازان بالا نرود، بودجه نباید تصویب شود.»

سید احمد سیلاب، نماینده ولایت قندهار در مجلس گفت که مجلس نمایندگان باید نخست از خود شروع کند و معاش نمایندگان کاهش

وزارت مالیه می‌گوید که نبود مواد قانونی برای تطبیق، بودجه ناکافی و عدم ارائه طرح و برنامه از سوی ادارات عامل این تأخیر بوده است: «ما وزارت مالیه در هماهنگی با ادارات و اعضای کمیته‌های رهبری و تخنیکی روی طرح یکسان‌سازی معاشات به‌صورت مشترک کار می‌کند تا این طرح تطبیق شود.»

براساس این طرح، قرار است معاش کارمندان بلندرتبه کم و به معاشات کارمندان پایین‌رتبه‌ی دولتی اضافه شود. همچنان هدف این طرح مبارزه با فساد، اجرای عدالت در معاشات، جذب و نگهداری کارمندان شایسته، از بین‌بردن سیستم‌های موازی اجرای معاش و ... گفته شده است. وزارت مالیه می‌گوید که کمیته‌های تخنیکی و رهبری به اداراتی اولویت خواهد داد که پیشنهادهای در راستای همسان‌سازی معاش کارمندان‌شان ارائه کند و پس از آن این طرح در تمامی ادارات تطبیق خواهد شد.

تاکنون اداره‌های مختلف در پاسخ به مکتوب‌های وزارت مالیه جهت همسان‌سازی معاش کارمندان اعلام آمادگی کرده و از این طرح استقبال کرده است. به‌عنوان نمونه وزارت تحصیلات عالی در مکتوبی گفته است که کارمندان اداری این وزارت خواستار تطبیق طرح همسان‌سازی معاش‌شان شده‌اند.

#### معاش به‌شدت نابرابر کارمندان دولتی

معاش کارمندان دولتی در افغانستان به‌شدت نابرابر است. پایین‌ترین معاشی که به یک کارمند پرداخت می‌شود پنج هزار افغانی است، اما مقام‌های بلندرتبه یا مافوق رتبه تا بیش از چهار صد هزار و پنج صد هزار افغانی نیز دریافت می‌کنند. نابرابری در معاش کارمندان دولتی همواره انتقادهای در پی داشته و گپ‌وگفت‌های به راه انداخته است، اما تاکنون در راستای هم‌سازن‌سازی معاش کارمندان کار جدی صورت نگرفته است. ظاهراً تمام امید کارمندان پایین رتبه دولتی به طرحی است که با گذشت دو سال هنوز عملی نشده است.

برخی از کارمندان دولتی از چند سال به این طرف در برابر معاش نابرابر کارمندان دولتی به صورت پراکنده در شبکه‌های اجتماعی اعتراض می‌کنند. این کارمندان که در شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک صفحه‌ی نیز ایجاد کرده، همواره این نابرابری را یادآوری می‌کنند. در یکی از آخرین یادداشت این صفحه «دادخواهان یکسان‌سازی معاشات کارمندان دولتی» معاش سیستم NTA و معاش مأموران و معلمان مقایسه شده که بست A قدم دهم سیستم ANT ۳۲۰ هزار افغانی و بست اول قدم پنج مأموران ۳۲ هزار و ۵۰۰ افغانی است. در این یادداشت از مجلس نمایندگان خواسته شده که طرح همسان‌سازی معاش کارمندان دولتی را به‌صورت جدی پی‌گیری کند.

#### خواست‌ها از جناح «طالبان»

گروه طالبان نیز برای نشان‌دادن حسن نیت‌شان به پروسه صلح و خواست‌های مردم افغانستان، اقدام‌هایی را در روند صلح روی دست گیرند. اولین و مهم‌ترین اقدام ممکن می‌تواند این باشد که آن‌ها در عمل ثابت کنند که مشکلی با مردم افغانستان ندارند و همانطوری‌که خودشان اذعان می‌کردند، مخالفت آن‌ها تنها با حضور نیروهای خارجی در خاک کشور است. این اساسی‌ترین بحث مذاکرات صلح تلقی می‌شود. گروه طالبان همیشه گفته‌اند که آن‌ها علیه نیروهای خارجی که به پندارشان افغانستان را اشغال کرده‌اند، دست به سلاح برده‌اند و هرگاهی که امریکا و ناتو از افغانستان خارج شوند، جنگ‌افزارهای‌شان را به زمین می‌گذارند. چیزی کم یکنسال از تفاهم‌نامه صلح این گروه با امریکا می‌گذرد؛ بر مبنای این تفاهم‌نامه، طالبان رسماً با امریکا آتش‌بس کرده‌اند و امریکا تعهد کرد که نیروهایش را از خاک افغانستان بیرون می‌کند. اکنون نیز شمار سربازان امریکایی در افغانستان کمتر از پنج هزار است و روند خروج آن‌ها مطابق تفاهم‌نامه صلح، دنبال می‌شود.

با این حال، مرام گروه طالبان محقق شده است و نیروهای خارجی قرار است تا ماه می سال ۲۰۲۱ افغانستان را ترک کنند. سوالی برجسته‌ای که مردم به دنبال پاسخ آن‌اند این است که چرا هنوز گروه طالبان به حملات مسلحانه خویش ادامه می‌دهند



## دو سال تأخیر؛ طرح همسان‌سازی معاش کارمندان دولتی به کجا رسیده است؟

ملی، منابع مالی موجود و وضعیت بودجوی یکی از طرح‌ها را که عملی باشد، انتخاب کند. به گفته‌ی آقای احمد، پس از آن مراحل بعدی این طرح اجرایی می‌شود.

وزارت مالیه که مسئولیت کمیته رهبری را به عهده دارد، نیز می‌گوید که کمیته رهبری تاکنون در این زمینه، دو نشست برگزار کرده که در آن، از سه طرح پیشنهادی کمیته تخنیکی، طرح‌های در مورد کارمندان تدارکات و گمرکات تأیید شده و طرح در مورد معاش معلمان، مدیریت مالی عامه، تفتیش و منابع بشری زیر کار کمیته تخنیکی و کادری قرار داد.

کابینه حکومت پس از تأیید خامه طرح همسان‌سازی معاش کارمندان دولتی زیر عنوان «پالیسی مدیریت معاشات کارمندان خدمات ملکی» برای تطبیق آن دو کمیته را تشکیل داد. وزیران مالیه، کار و امور اجتماعی، عدلیه، اقتصاد، رییس کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی عضویت کمیته رهبری را داشتند که مسئولیت مدیریت و رهبری کمیته به عهده وزارت مالیه بود. در کمیته تخنیکی که مسئولیت مدیریت و رهبری آن به عهده کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات

ارزش‌های ملی بر ارزش‌های فردی ترجیح داده شود.

دوم، مردم خواستار پایان قتل و کشتار و آتش‌بس فوری‌اند. مذاکرات صلح برای مردم معنایی نخواهد داشت تا زمانی که خشونت‌ها متوقف یا حداقل کاهش یابد. اما در چند ماه اخیر که گفت‌وگوهای صلح جریان داشته، نه تنها خشونت‌ها کاهش نیافته، بلکه به‌صورت سرسام‌آور افزایش یافته است. نمایندگان جمهوریت نمایندگان مردم افغانستان‌اند که این خواست مهم مردم را در روند گفت‌وگوها به خوبی بازتاب دهند و دلایل خوبی برای ختم جنگ در قناعت طرف مقابل در مذاکرات پیش‌کش کنند.

سوم، انعطاف در مذاکرات الزامی است، هر دو جناح باید ظرفیت شنیدن دیدگاه مخالف دو طرف را داشته باشند تا مذاکرات به نتایج مطلوب برسد، اما انعطاف نباید به معنای از دست‌رفتن دستاوردهای دو دهه اخیر باشد. زنان که در دو دهه گذشته حق تعلیم و تحصیل کسب کرده‌اند، نباید از این حق مسلم‌شان محروم شوند. آزادی بیان و رسانه‌ها که با خون ده‌ها خبرنگاران به‌دست آمده، نباید به دوره سکوت و سرکوب برده شوند. جوانان که امروز صاحب دیدگاه‌های انتقادی و معتقد بر حقوق و آزادی‌های فردی‌اند نباید از این حق‌شان محروم شوند. هیأت مذاکره‌کننده باید تمامی این اصل‌ها و ارزش‌ها را در صدر مذاکرات طرح و به خوبی از آن‌ها حراست کنند.

#### عصمت‌الله سروش گزارشگر

کابینه حکومت وحدت ملی در ۲۷ قوس ۱۳۹۷ طرح همسان‌سازی معاشات کارمندان دولتی را در کلیت تصویب کرد که قرار بود براساس آن معاش کارمندان پایین‌رتبه افزایش و معاش کارمندان بلندرتبه کاهش یابد. اما تاکنون که دو سال از تصویب آن می‌گذرد، این طرح نهایی نشده و معلوم نیست که چه وقت نهایی و در ادارات دولتی افغانستان تطبیق خواهد شد. همچنان این موضوع در چند نشست اخیر مجلس نمایندگان به بحث گرفته شده و مجلس می‌گوید که طرح همسان‌سازی معاش کارمندان دولتی را تا مرحله‌ی توشیح و تطبیق آن از سوی حکومت، پی‌گیری می‌کند.

کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی که مسئولیت کمیته تخنیکی را به عهده دارد، می‌گوید که نشست‌های متعدد کمیته‌های رهبری و تخنیکی برگزار شده و کمیته تخنیکی سه طرح را به وزارت مالیه پیشنهاد کرده است. فرید احمد، سخن‌گوی کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی به اطلاعات روز می‌گوید که وزارت مالیه می‌تواند با توجه به افزایش احتمالی در بودجه

## از سرگیری گفت‌وگوهای صلح؛ اولویت مذاکرات چیست؟

حمید فرهادی، روزنامه نگار-

هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان با هیأت گروه طالبان حدود یک ماه پیش بر سر کارشوه‌ی مذاکرات صلح به توافق رسیدند و قرار است تا کمتر از یک هفته دیگر، دور دوم مذاکرات، در دوحه پایتخت قطر از سر گرفته شود. همزمان با جدی‌شدن روند مذاکرات صلح، انتظارات جدی از گفت‌وگوهای صلح مطرح می‌شود و قطعاً دلگرمی به روند مذاکرات زمانی ایجاد خواهد شد که مردم تأثیر عملی این گفت‌وگوها را در زندگی روزمره‌شان ببینند. پاسخ به نگرانی‌های مردم، اساسی‌ترین بحث مذاکرات صلح باید باشد و این نگرانی‌ها در اولویت‌های دور دوم مذاکرات صلح تبلور ییابد، زیرا هم هیأت مذاکره جمهوری اسلامی افغانستان از آدرس مردم کشور به مذاکرات صلح رفته‌اند، اما گروه طالبان ادعا می‌کنند که آن‌ها از مردم کشور نمایندگی می‌کنند. با این حال، چیزی بهتر از آن نیست که هردو طرف خواست‌های مردم افغانستان را در صدر گفت‌وگوها قرار دهند. اما این نگرانی‌ها چیست و اولویت‌های دور دوم مذاکرات کدام‌ها است؟



## تقلیل کارکردهای پارلمان زیر سایه سنگین اتهامات فساد

حسین علی کریمی



را مرجع تجارت و معامله خطاب کرد. در سال ۲۰۱۳، عبدالرحیم ایوبی از موجودیت واسطه‌گری و معامله‌گری در پارلمان کشور لب به شکایت گشود و از نمایندگان خواست به‌صورت دست‌جمعی استعفا کنند تا این نهاد بیش از این صدمه نبیند. یکی از نمایندگان، مجلس را به سرای شهزاده تشبیه کرد و گفت این نهاد به مرکز معامله‌گری، تبدیل شده است. رمضان بشردوست نیز در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود که دزدان حرفه‌ای، قاچاقبران مواد مخدر به‌عنوان نماینده مردم در پارلمان کشور حضور دارند. دامنه چنین اظهارات و انتقاداتی، همیشه درباره این نهاد وجود داشته است.

### پرسش‌های پیش‌روی پارلمان و کارکردهای آن

براساس قانون اساسی، شورای ملی کشور، عالی‌ترین مرجع تقنینی و مظهر اراده مردم است و نمایندگان این نهاد باید هیچ نوع پیشینه جرم و جنایت نداشته باشند. ولسی جرگه، صلاحیت بررسی اعمال حکومت، استیضاح وزیران و تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌های انکشافی و بودجه دولت را دارد. این نهاد می‌تواند هر وزیر کابینه را رای عدم اعتماد دهد. تصویب قوانین، پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه نیز از صلاحیت‌های قابل توجه ولسی‌جرگه کشور است.

از چالش‌های دموکراسی نوپای افغانستان این بوده که نهادهای آن چنان که باید فرصت تعمیق کارایی‌شان را پیدا نکنند. در طول دو دهه گذشته زیر سایه جنگ و تمرین مردم‌سالاری این امر محقق نشد. اتفاق مهم دیگری که در این دو دهه برای برخی نهادها مثل پارلمان افتاد، این بود که به عمد و یا سهواً این نهادها تضعیف شد. این مسأله موجب شد که فاصله میان مردم و نهادهای روزبه‌روز بیشتر شود. این شکاف باعث شد سرمایه اجتماعی که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آن اعتماد است، خدشه‌دار شود. از دل این شکاف، بی‌اعتمادی و بحران سرمایه اجتماعی به‌وجود آمد. جدا از موارد یادشده، دولت افغانستان نیز در تضعیف اعتبار پارلمان، نقش به‌سزایی داشت. به‌عنوان مثال در آخرین دور انتخابات پارلمانی، انتخابات با تأخیر و حاشیه‌های فراوان برگزار شد. این امر موجب شد که مردم باورمندی‌شان به کارکردهای پارلمان کاهش یابد. چالش‌های یادشده در نهایت موجب شد که این نهاد نتواند آن چنان که از آن انتظار می‌رفت، موثر واقع شود. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت، نقش و کارکردهای پارلمان و همچنین موارد اتهامات گسترده فساد به برخی از اعضای آن، زمان اصلاحات و تغییرات اساسی در این نهاد به‌وجود آمده است. اعضای پارلمان باید یک ارزیابی از نقش و مسئولیت‌های خود و همکاران‌شان انجام دهند تا بدانند این‌گونه اتهامات بر علیه آن‌ها بی‌اساس است یا نه؟ به‌عنوان نمونه، این پرسش باید طرح گردد که پارلمان از صلاحیت‌های قانونی خود تا چه حد استفاده کرده است؟ آیا توانسته کدام وزیری را صلب صلاحیت یا برکنار کند؟ سرنوشت تصمیم حکومت که با مخالفت ولسی‌جرگه روبه‌رو می‌شود به کجا ختم شده است؟ کدام برنامه حکومت که با مخالفت پارلمان روبه‌رو گردیده، متوقف شده است؟ به‌عنوان مثال ماجرای طرح تعدیل توزیع تذکره الکترونیکی به کجا رسید؟ نقش پارلمان در تصمیم‌گیری‌های اساسی مانند فرایند صلح، پیمان‌های استراتژیک با کشورهای مختلف، حضور و یا عدم‌حضور نیروهای بین‌المللی در افغانستان چگونه است. نسبت پارلمان که الگویی مدرن در تصمیم خرد جمعی است با برگزاری لوی‌جرگه‌ها و تصمیم آن‌ها به چه صورت است؟ این‌ها کمترین پرسش‌هایی است که انتظار می‌رود پارلمان و منتقدان در مورد آن به‌صورت جدی فکر کنند و راه‌حلی بیابند.

بخشی از کاستی‌ها و موارد فساد که اشاره شد، مرتبط به همه اعضای پارلمان نیست، اما محدودیت‌های موجود در ساختار این ارگان و ناهنجاری‌های وضعیت سیاسی و تأثیر آن بر کارکردهای پارلمان، قابل انکار نیست. واقعیت این است که اقتدار پارلمان افغانستان خدشه‌دار شده است. این مسأله موجب شده است که کارکردهای پارلمان زیر سایه سنگین اتهامات فساد، تقلیل یابد. مهم‌ترین دلیل، وضعیت سیاسی حاکم بر جامعه و همچنین ضعف اعضای این نهاد است. به‌دلیل کاهش اعتبار این نهاد در دو دهه گذشته، کسانی که در نهادهای اجرایی مسئولیت دارند به‌راحتی این حق را به خود می‌دهند که خود را در برابر قانون پاسخگو ندانند. وضعیتی که تکرار آن صلابت پارلمان را بیش‌ازپیش ضربه خواهد زد و همچنین فرصت فساد را برای افراد سودجو در دستگاه‌های اجرایی فراهم می‌سازد. این در حالی است که چشم و امید مردم به این نهاد است تا ارزش‌های مردم‌سالاری را تقویت کند. از حقوق مردم دفاع کند و از کارکرد مدیران اجرایی کشور را پرسش مواجه سازند. وقتی دامنه انتقادات از پارلمان تا این حد گسترده باشد، مردم حق دارند نسبت به کارکردهای این قوه به تردید، ببینند. بنابراین به‌نظر می‌رسد پارلمان و اعضای آن باید فکر اساسی برای بازگشت اقتدارشان انجام دهند. چرا که این وضعیت به ضرر مردم و آینده کشور است.

### افشای موارد فساد در اعضای پارلمان

نارضایتی از کارکردهای پارلمان، توسط اعضای این نهاد از سال ۲۰۱۰، زمانی که ملالی جویا، عضو مجلس نمایندگان اخراج شد، شکل برجسته به خود گرفت. ملالی جویا در یکی از مصاحبه‌هایش، پارلمان را مافیایی، غیردموکراتیک و فاسد خواند. او همچنان ادعا کرد که برخی از اعضای این نهاد در نقض حقوق بشر و قاچاق مواد مخدر دست دارند. همچنین حمید لالی، یکی دیگر از نمایندگان پارلمان، ولسی‌جرگه

«قدرت فساد می‌آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق. مردان بزرگ همیشه مردان بدی‌اند، حتماً وقتی که به‌جای اقتدار از نفوذ خود استفاده می‌کنند.» زمان زیادی از این جمله معروف جان اکتون، فیلسوف و مورخ انگلیسی می‌گذرد. تاریخ سیاسی و اجتماعی برخی جوامع در یک قرن گذشته، شاهد دیکتاتورها و حکومت‌های توتالیتر بسیاری بوده است. ناکامی بهار عربی و شکست انقلاب‌های مردمی و دموکراسی‌خواهی در این کشورها گواه این ادعا است. پژوهشگران حوزه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی سیاسی اکنون این گزاره را تأیید می‌کنند که قدرت مطلق منجر به فساد می‌شود. تفکیک قوا در حکومت‌ها براساس فلسفه تمرکززدایی انجام می‌شود. اصل بنیادین دموکراسی، حضور مردم در تصمیم‌گیری، نقش‌آفرینی و مشارکت آنان در توزیع قدرت و تصمیم‌گیری در یک جامعه است. به همین دلیل پارلمان‌ها در سیستم‌ها این نقش را ایفا می‌کنند که تجلی‌بخش اراده مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی باشند. پارلمان، مظهر خرد، اراده و تصمیم جمعی در حکومت‌هاست که هدف اصلی آن، وضع قوانین، قواعد و هنجارهای جامعه است. بر این اساس پارلمان‌ها دو کارکرد اساسی در ساختار حکومت‌ها دارند؛ اول، تصویب قوانین، تجدیدنظر قوانین و نظارت بر رفتار قوه مجریه و نهادهای اجرایی کشور.

نمایندگان مجلس در نشست روز چهارشنبه خود (۱۰ جدی)، محدوداود سلطان‌زوی، شهردار کابل را به دادستانی معرفی کرد و امضایش را فاقد اعتبار دانست. مجلس این اقدام را به‌دلیل بی‌حرمتی در برابر مصوبات مجلس، عدم تطبیق پرونده‌های انکشافی و برخورد‌های سلیقه‌ای در استخدام کارمندان توسط آقای سلطان‌زوی اتخاذ کرده است. شهردار کابل در واکنش به اقدام نمایندگان مجلس گفته است که او جانب رئیس‌جمهوری در مقامش تعیین شده و موظف به پاسخگویی در برابر پارلمان نیست.

این عدم پاسخگویی مدیران اجرایی وضعیت خطرناکی است. وضعیتی که از یک سو پارلمان افغانستان مقصر است و از طرفی دیگر دولت افغانستان. دو دهه از کارکردهای این نهاد در افغانستان می‌گذرد. دو دهه از زمان زیادی برای ارزیابی و بازبینی است. بسیاری از مردم افغانستان از خود می‌پرسند چه امری موجب می‌شود که آقای سلطان‌زوی خود را مکلف به پاسخگویی در برابر نمایندگان ملت نداند. مگر رئیس‌جمهوری را که او خود را موظف به پاسخگویی به آن می‌داند، مشروعیت و اعتبار خود را از همین مردم کسب نمی‌کند؟ قانون اساسی افغانستان جایگاه و نقش هر نهاد را به‌صورت مشخص واضح کرده است. با این وجود چرا افراد از پاسخگویی سر باز می‌زنند و خود در برابر قانون عاری از پاسخگویی می‌دانند.

### گسترده‌گی انتقادات بر کارکرد نمایندگان پارلمان

خانم رولا غنی، بانوی نخست کشور طی یک مصاحبه با رادیو آزادی، پارلمان کشور را میدان خرید و فروش نمایندگان خطاب کرد. خانم غنی در سخن دو نامزدوزیر زن توسط پارلمان را نشان‌دهنده عدم آشنایی نمایندگان این نهاد با امور کاری‌شان دانست و تأکید کرد که آن‌ها به کارشان ادامه خواهند داد. صحبت‌های خانم غنی با واکنش تند نمایندگان ولسی‌جرگه مواجه شد. رئیس ولسی‌جرگه در این‌باره گفت که «با تأسف؛ بانوی اول کشور به‌جای مراعات کردن قلمرو صلاحیت‌های قوه مقننه و احترام به اراده صاحبان اصلی حاکمیت، بی‌حرمتی و توهین ناخوشودنی را مرتکب شده است.» او اضافه کرد که هنوز هم هويت و موقعیت خانم غنی در هیچ سندی روشن نیست و مجلس نمایندگان اجازه

یابد، بعد معاش وزیران، معینان و والیان، معاش سیستم NTA و تمام معاشات امتیازی کم و بر معاش معلمان، مأموران و سربازان اضافه شود. از مجموع کارمندان دولتی افغانستان ۸۰ درصد آن پایین‌رتبه و ۲۰ درصد آن بلندرتبه‌اند. مجموع معاش کارمندان بلندرتبه با مجموع معاش کارمندان پایین‌رتبه برابری می‌کند. تعداد کارمندان دولتی (ملکی و نظامی) براساس سند بودجه ملی سال مالی ۱۳۹۹ خورشیدی، ۹۰۱ هزار و ۹۷۰ تن بوده است.

در دو نشست اخیر مجلس نمایندگان که روی هم‌ساز معاش کارمندان دولتی بحث شده است، نمایندگان تفاوت در معاش کارمندان دولتی را ناعادلانه خوانده و گفتند که در تصویب بودجه ملی ۱۴۰۰ این موضوع را در نظر خواهند گرفت. در نشست روز دوشنبه مجلس، تصمیم گرفته شد که مجلس طرح هم‌ساز معاش کارمندان دولتی را تا مرحله‌ی توشیح و تطبیق آن از سوی حکومت پی‌گیری می‌کند. میررحمن رحمانی، رئیس مجلس نمایندگان به کمیسیون مالی و بودجه این مجلس وظیفه سپرد تا این مورد را در بودجه سال مالی ۱۴۰۰ در نظر بگیرد.

رضایت از اجرا در وزارت مالیه

پس از تصویب خامه طرح هم‌ساز معاش کارمندان دولتی، وزارت مالیه در ماه حمل سال ۱۳۹۸ اعلام کرد که این وزارت در مطابقت به اهداف اساسی «پالیسی مدیریت معاشات کارمندان خدمات ملکی» در معاشات کارمندان مرکز و ولایات خود اصلاحات به‌میان آورده است. ظاهراً طرح هم‌ساز معاش کارمندان دولتی در وزارت مالیه به‌صورت آزمایشی اجرا شده است، اما برخی از کارمندان سایر ادارات دولتی انتقاد دارند که دو سال می‌شود این طرح در وزارت مالیه عملی شده، اما در ادارات دیگر عملی نمی‌شود که خود نوعی تبعیض است.

وزارت مالیه می‌گوید که تطبیق این طرح در این وزارت باعث شده که کارمندان قراردادی در تشکیلات رسمی وزارت مالیه جذب شود و تخصص آنان به کارمندان رسمی اداره منتقل شود. به گفته این وزارت، «کاهش فرار کارهای ورزیده و مسلکی، بیشتر شدن سرعت و مؤثریت کار، از میان برداشتن معاش و امتیازات چندین‌گانه، تعادل امتیازات مالی به تمام کارکنان، پرداخت معاشات و امتیازات در اسرع زمان، کاهش فساد و تأمین شفافیت، ایجاد رقابت سالم میان سکتور خصوصی و سکتور عامه، در نظر گرفتن تناسب امتیازات به اساس ویژگی‌ها، مراعات نمودن تفکیک میان بخش‌های تخصصی و مدیریتی و صرفه‌جویی بودجه» از دیگر پیامدهای مثبت اجرای این طرح در این وزارت است.

### تحلیل

طالبان بر نیروهای‌شان اشراف ندارند، پس مذاکرات صلح برای چیست؟ یا اگر آن‌ها تاب شنیدن دیدگاه‌های مخالف را ندارند، چگونه قرار است به جامعه‌های قدم بگذارند که ۸۰ درصد مخالف ایدئولوژی طالب است؟ جامعه کنونی افغانستان، جامعه کثرت‌گرا و مملو از دیدگاه‌های متفاوت است. مردم یاد گرفته‌اند که با این تنوع دیدگاه‌ها کنار هم زندگی کنند. نسل نو افغانستان نگرش‌شان در مورد زنان، رسانه‌ها و کنش‌گران نسبت به بیست سال گذشته به‌شدت متفاوت است و افغانستان امروز چتری است که ظرفیت پذیرش همه دیدگاه‌ها را دارد، اما هیچ دیدگاهی بر دیدگاه دیگر نمی‌تواند تحمیل شود. گروه طالبان باید این واقعیت را بپذیرند که نسل جدید افغانستان نسل کنش‌گر، منتقد و معتقد به ارزش‌های انسانی و حقوق مدنی است و حذف کردن این روایت، حتی با حذف فیزیکی افراد امکان‌پذیر نیست.

هرگاه دو طرف به این موارد جزئی اما مهم و اساسی فکر کردند و با آن برخورد آگاهانه داشتند، کار آن‌ها مورد قناعت و پذیرش مردم کشور است و باعث افزایش امیدواری‌ها به روند صلح می‌شود. در غیر آن اما اگر مذاکرات صلح هم‌زمان باشد با افزایش خشونت‌ها و کشتار مردم بی‌گناه، امیدواری به مذاکرات صلح معنایی ندارد و مردمی که سال‌های برای جنگ قربانی دادند، نمی‌توانند چندین سال دیگر برای صلح قربانی دهند.



## فروش آب و واکسن، یک مرد چینی را ثروتمندترین فرد آسیا کرد



اطلاعات روز: به لطف واکسن‌سازی و فروش آب بطری، یک مرد چینی به موقعیت ثروتمندترین فرد آسیا دست یافته است. ثروت ژونگ شانسان امسال ۷ میلیارد دالر (۵.۱

میلیارد پوند) بیشتر شده و در نتیجه به مراتب از ثروت موکش آمبانی هندی و جک ما چینی بیشتر شده است. ارزش دارایی او حالا ۷۷.۸ میلیارد دالر است و بر اساس

شاخص میلیاردرهای بلومبرگ به یازدهمین فرد ثروتمند جهان تبدیل کرده است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، آقای ژونگ که به نام مستعار «گرگ تنها» مشهور است در طول زندگی کاری خود به روزنامه نگاری، پرورش قارچ و مراقبت های بهداشتی اشتغال داشته است.

آقای ژونگ در آوریل سهام شرکت واکسن سازی بیجینگ ونٹی بیولوژیکال Beijing Wantai Biological را در بازار سهام چین عرضه کرد.

سه ماه بعد او سهام شرکت آب بطری نونگفو Nongfu Spring را در بازار سهام هنگ کنگ عرضه کرد.

فروش این سهام باعث شد ثروت او از جک ما، بنیانگذار شرکت علی بابا Alibaba که قبلاً ثروتمندترین فرد چین و آسیا بود بیشتر شود.

از آن زمان Nongfu Spring به یکی از داغترین لیست های هنگ کنگ تبدیل شده و سهام آن از زمان آغاز به کار ۱۵۵ درصد جهش کرده است.

ارزش سهام شرکت بینجینگ ونٹی بیش از ۲۰۰۰ درصد افزایش یافته و این شرکت در میان موسساتی است که واکسن کرونا را تولید می‌کند.

براساس گزارش بلومبرگ، این تحول چشمگیر آقای ژونگ را به مقام ثروتمند اول آسیا ارتقا داده و یکی از سریع‌ترین نمونه‌های ثروت‌اندوزی در طول تاریخ بوده است.

### «ثروتمندها ثروتمندتر می‌شوند»

ثروت بسیاری از ثروتمندترین افراد جهان در جریان شیوع کرونا بیشتر شده که از جمله ثروت جف بزوس، بنیانگذار آمازون، خیلی افزایش پیدا کرده است.

و در هند، آقای امبانی به خاطر معامله‌اش در تبدیل مجتمع صنایع ریلاینس به یک شرکت فناوری و تجارت الکترونیکی ثروتش را ۱۸.۳ میلیارد دالر افزایش داد و به ۷۶.۹ میلیارد دالر رساند.

در اوایل سال جاری فیس بوک گفت ۵.۷ میلیارد دالر در شرکت اینترنت موبایل ریلاینس جیو Reliance Jio عرضه کننده موبایل ارزان سرمایه گذاری می‌کند که این شرکت متعلق به آقای امبانی است.

با این حال، جک ما شاهد بوده است که ثروت وی از ۶۱.۷ میلیارد دالر در ماه اکتبر به ۵۱.۲ میلیارد دالر در آخر سال کاهش یافته است که دلیل آن افزایش نظارت دولت چین بر فعالیت علی بابا بوده است.

علی بابا به اتهام فعالیت انحصاری مورد تحقیق قرار گرفت و در ماه نوامبر معامله در سهام گروه انت Ant وابسته به آن متوقف شد.

ثروت بیشتر میلیاردرهای جدید چین از صنعت فناوری ناشی می‌شود اما افزایش تنش بین چین و ایالات متحده بر سر شرکت هوآوی، تیک‌تاک و وی‌چت باعث کاهش ارزش سهام شرکت‌های فناوری چین شده است.

## اقدام بورس نیویورک علیه شرکت‌های بزرگ مخابراتی چین

که معاملات این سه شرکت بین هفتم تا یازدهم جنوری (از یک هفته دیگر) به حال تعلیق درمی‌آید. این شرکت‌ها تمام درآمد خود را در داخل چین کسب می‌کنند و حضور چشمگیری در آمریکا ندارند.

به گفته جاستین هارپر، خبرنگار بی‌بی‌سی حذف این شرکت‌ها در بحبوحه افزایش تنش های سیاسی بین دو کشور آمریکا و چین، بیشتر ضربه‌ای نمادین به نظر می‌رسد.

سهام این سه شرکت که در آمریکا معامله می‌شود در مقایسه با فهرست اصلی در هنگ‌کنگ اندک است. این شرکت‌های دولتی بر صنعت مخابرات چین تسلط دارند.

اطلاعات روز: بازار بورس نیویورک اعلام کرده که سه شرکت مخابراتی بزرگ چین را به دلیل ادعای ارتباط با ارتش این کشور از فهرست این بورس خارج می‌کند.

هر سه شرکت مخابراتی چاینا موبایل، چاینا تلکام، و چاینا یونیکام هنگ‌کنگ از جمله اهداف دولت ترمپ بوده‌اند. او شماری از شرکت‌های چینی را تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا دانسته است.

معاملات سهام این غول‌های مخابراتی همزمان با آغاز روند حذف آنها، هفته آینده در بازار بورس نیویورک، معلق خواهد شد.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، بورس نیویورک تأیید کرده

غول‌های اقتصادی، با تهیه فهرستی از شرکت های آمریکایی دست به اقدامی متقابل زد.

در دهه گذشته بازارهای بورس آمریکا از جمله نزدک و بورس نیویورک، از شرکت‌های چینی خواستند تا سهام خود را وارد بازارهای آن‌ها کنند.

در حال حاضر بیش از ۲۰۰ شرکت چینی در بازارهای سهام آمریکا حضور دارند و ارزش سهام آن ها ۲.۲ تریلیون دالر است.

اما با افزایش تنش ها بین چین و آمریکا، بسیاری از شرکت‌های چینی در پی حضور در بازارهای هنگ‌کنگ و خود چین هستند.

دونالد ترمپ، رئیس جمهور آمریکا دو ماه پیش فرمانی را امضا کرد که براساس آن سرمایه گذاری شرکت‌های آمریکایی در شرکت‌های چینی تحت مالکیت یا کنترل دولت این کشور منع شده است.

این فرمان سرمایه‌گذاران آمریکایی را از خرید و فروش سهام شرکت های چینی که براساس فهرست پنتاگون دارای روابط نظامی هستند، منع می‌کند.

آقای ترمپ شماری از شرکت‌های چینی از جمله تیک تاک، هوآوی و تنسنت را به دلیل تهدید برای امنیت ملی هدف قرار داده است.

چین هم در واکنش، همزمان با افزایش تنش‌ها بین

### «اعلان داوطلبی»

وزارت امور سرحدات و قبایل از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید، تا در پروژه داوطلبی ترمیم اساسی مهمانخانه شهرنو بابت سال مالی ۱۴۰۰ تحت شماره داوطلبی: MOBTA/1400/NCB/OPT/W003 اشتراک نموده، ضم آفر خویش جواز فعالیت و شرایط اهلیت مندرج شرطنامه را مد نظر گرفته و آفرهای سر بسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه به لسان (دری و یا پشتو) طبق قانون و طرزالعمل تدارکات عامه افغانستان از تاریخ نشر اعلان الی (۲۱) روز ارائه نماید.

توزیع شرطنامه و تسلیمی آفرها الی ساعت (۰۹:۳۰) بجه قبل از ظهر (۲۱) یوم بعد از نشر اعلان که آخرین معیاد ضرب الاجل تسلیمی آفرها می باشد صورت میگیرد آفرهای دیر رسیده و انترنتی پذیرفته نمی شود. تضمین آفر مبلغ (۶۲۰,۰۰۰) شش صد و بیست هزار افغانی بوده که داوطلبان آنرا به شکل گرنٹی بانکی و یا پول نقد در داخل آفرهای سر بسته خویش ارایه بدارند. داوطلبان واجد شرایط می توانند شرطنامه را به شکل سافت در فلش از آدرس ذیل اخذ نمایند .

آدرس : ناحیه ۰۹، ریاست تدارکات منزل تحتانی وزارت امور سرحدات و قبایل مکروریان سوم جوار ستره محکمه، کابل افغانستان.   
نوت: در صورتیکه تاریخ معین شده برای تسلیمی آفرها به روز رخصتی تصادف نماید آفرها در روز بعدی کاری در همان ساعت تعیین شده تسلیم و باز گشایی خواهند شد.



دکترهنی، اوبولگولوواو مالرداری وزارت  
وزارت زراعت، آبیاری و مالرداری

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت  
دولت جمهوری اسلامی افغانستان



پروژه زراعت و مالرداری به اشتراک مردم

### «اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که پروژه زراعت و مالرداری به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبیاری و مالرداری در نظر دارد، اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد، تهیه و خریداری بسته‌های نیمه‌تجارتی مرغداری برای ولایت بغلان را با شرکت محترم خدمات زراعتی مالرداری و باغداری گرین افغانستان دارای جواز نمبر (D-05-396) مشترک با شرکت مرغداری سیمرغ دارای جواز نمبر (D-75089) آدرس - ولایت کندز ولسوالی علی‌آباد و سرک کوته‌سنگی کمپنی نیازییک مرکز کابل، افغانستان به قیمت مجموعی (۱۶,۸۹۲,۳۶۰.۰۰) شانزده میلیون و هشتصد و نود و دوهزار و سه صد و شصت افغانی اعطاء نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تدارکات، وزارت زراعت، آبیاری و مالرداری واقع جمال‌مینه ناحیه سوم کابل، افغانستان طبق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.



دکترهنی، اوبولگولوواو مالرداری وزارت  
وزارت زراعت، آبیاری و مالرداری

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت  
دولت جمهوری اسلامی افغانستان



پروژه زراعت و مالرداری به اشتراک مردم

### «اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که پروژه زراعت و مالرداری به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبیاری و مالرداری در نظر دارد، اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد، تهیه و خریداری بسته‌های نیمه‌تجارتی مرغداری برای ولایت کابل را با شرکت محترم خدمات زراعتی مالرداری و باغداری گرین افغانستان دارای جواز نمبر (D-05-396) مشترک با شرکت مرغداری سیمرغ دارای جواز نمبر (D-75089) آدرس - ولایت کندز ولسوالی علی‌آباد و سرک کوته‌سنگی کمپنی نیازییک مرکز کابل، افغانستان به قیمت مجموعی (۱۷,۲۴۸,۴۰۰.۰۰) هفده میلیون و دوصد و چهل و هشت‌هزار و چهارصد افغانی اعطاء نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به پروژه زراعت و مالرداری به اشتراک مردم، وزارت زراعت، آبیاری و مالرداری واقع جمال‌مینه ناحیه سوم کابل، افغانستان طبق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا





مشتریان محترم عزیزان! در زیر نام‌های کسانی درج شده‌است که نزدیک به ده سال می‌شود حساب‌شان را بروز نکرده‌اند. اگر این مشتریان تا سه ماه (۹۰ روز) به بانک مراجعه نکنند، پول موجود در حساب‌شان به بانک مرکزی (د افغانستان بانک) انتقال داده می‌شود.

Table with 5 columns: Account Number, Branch Name, and other details. Contains a list of dormant accounts.

Table with 5 columns: Account Number, Branch Name, and other details. Contains a list of dormant accounts.

Table with 5 columns: Account Number, Branch Name, and other details. Contains a list of dormant accounts.

Table with 5 columns: Account Number, Branch Name, and other details. Contains a list of dormant accounts.

Summary table with 5 columns: Account Number, Branch Name, and other details. Lists specific dormant accounts.





بدون در نظر گرفتن وابستگی حیاتی مان به جهان بیرون معنا کنیم. جهان ما عبارت از درهم آمیزی و پیوند داشتن با جهان بیرون و «دیگران» است.

جهان آدمها با وجودی که در ظاهر دور از هم به نظر می رسد، اما در حقیقت بسیار نزدیک و شبیه به هم است. احساسات چون خشم، غضب، هیجان و فضیلت های چون سخاوت، بردباری و امثال اینها به همان اندازه که می تواند در زندگی یک فرد تحصیل کرده وجود داشته باشد، در زندگی یک فرد بی سواد و فقیر هم می تواند وجود داشته باشد. موفقیت به همان اندازه که باعث خوشحالی یک آدم درون گرا می شود برای یک برون گرا نیز هیجان خلق می کند. روی هم رفته، قابلیت های وجود آدمی یکسان است و هیچ قانون و یا محدودیت برای متمایز بودن آن ها وجود ندارد. اما بعضی ایدئولوژی ها و طرز تفکر باعث می شود این تشابهات نادیده گرفته شده و در نهایت به بعضی انسان ها به چشم «دیگری» و یا حتی به چشم یک شی و جسم اضافی دیده شود. «مرد جعبه ای» نمونه ای از این افراد است، زیرا دیگران در مورد مرد جعبه ای فکر می کنند که «مرد جعبه ای به سختی دیده می شود. بیشتر به آشفالی می ماند که میان زده ها، یا وسط مستراح های عمومی و یا زیر پل ها چپانده شده باشد...» (ص ۱۳). اما در بدترین حالت ها آدمی جهان خودش را دارد و دارای هویت می باشد: «یک مرد جعبه ای نیز نمی تواند به سادگی جعبه اش را کنار گذاشته و به جهان عادی بازگردد. زمانی از جعبه بیرون می شود که به جهان دیگری پا بگذارد، دقیقاً شبیه حشره ای که مسخ می شود» (ص ۳۹).

همان طور که ذاتا هیچ تفاوتی میان آدمها وجود ندارد یک مرد جعبه ای، که از دید دیگران به آشفال تشبیه می شود، می تواند همان درگیری را داشته باشد که یک انسان آکادمیک و دانشگاهی با بهترین تسهیلات با آن درگیر می شود. دهها قرن قبل افلاطون در رساله تئتتوس این دیالوگ را نوشت «سقراط: یقین بارها شنیده ای که می گویند چگونه می توان شناخت که ما در این دم بیداریم و در حال بیداری گفت و گو می کنیم، یا در خوابیم و تصورات و پندارهایی که داریم رویاست؟» تئتتوس: سقراط، یافتن علامتی که به یاری آن بتوانیم خواب را از بیداری بازشناسیم به راستی دشوار است زیرا همه ی پیش آمدها در هر دو حال شبیه یکدیگرند. مثلاً آنچه تاکنون به یکدیگر گفته ایم ممکن است در خواب بوده باشد همچنان که هر وقت در خواب سخن می گوئیم می پنداریم که بیداریم و در بیداری گفت و گو می کنیم.» مرد جعبه ای کوپوآبه عین همین سخن را تکرار می کند «بلی، شاید کسی که می نویسد من باشم. شاید این منم که می نویسم و تو را تخیل می کنم که می نویسی و مرا تخیل می کنی.» (ص ۹۲) این نشان می دهد که مرز و فاصله یی میان جهان آدمها وجود ندارد؛ امکان درگیری های وجودی برای همه وجود دارد و جهان های آدمی ذاتا شبیه به هم اند. از این رو هیچ تفاوت بنیادین میان آن مرد جعبه ای که برای دیگران به مانند آشفال است، و آدمهایی که بی اعتنا از کنارش می گذرد، وجود ندارد.

## ولگردان شوربخت

مردم و یا آن چیزی که اکثر از آن به عنوان توده و یا طبقه فرودست نام برده می شود، معرف همه چیز در یک جامعه است. اما در بعضی نظام های حکومتی به مردم به چشم ابزار و اشیای بی هویت نگاه می شود که اراده و اهمیتی ندارند. یکی از چهره های سیاسی افغانستان چند سال قبل مردم را «کوچه بازاری» خوانده بود.

جورجو آگامبن در رساله ی وسایل بی هدف می نویسد «هر تفسیری از معنای سیاسی مردم باید کار را از این واقعیت غریب آغاز کند که در زبان های اروپایی مدرن، این اصطلاح هواره بر فقیران، فرودستان، و حذف شدگان نیز دلالت داشته است» (وسایل بی هدف، ص ۳۷). و البته این تعریف از مردم در حوزه سیاست مطرح می شود. به نظر می رسد کوپوآبه در رمان «مرد جعبه ای» نیمنگاهی به سیاست هم داشته و وضع موجود را نقد کرده است. او نارضایتی اش را از وضع موجود در جامعه این گونه بیان می کند «ولخرجی از بودجه ملی برای تحقیق راجع به مرگ ولگردان، هر طوری که مرده باشند، مجاز نیست» (ص ۱۱۷). اما سوال این است که چه چیزی به وجود یک دولت مشروعیت می بخشد؟ یک دولت چگونه می تواند هم مشروعیت خودش را از مردم بگیرد و هم آن ها را «ولگرد» خطاب کند؟ مگر نه این است که مردم همیشه ولگرد خطاب می شوند و این ولگردان است که باید بیش از همه زجر بکشند!

## «مرد جعبه ای» و ولگردان شوربخت

عباس اسدیان



غم انگیز در کابل است. همه روزه از مسیر پل سوخته عبور و مرور می کنم. احتمالاً نام پل سوخته برای هر کسی که با این محل آشنایی دارد یادآور یک چیز است: معتادان زیر پل. در این ایام سرمای سوزناک و هوای آلوده و کشنده که از این مسیر می گذرم تقریباً بلااستثنا هر صبح جسد یکی-دو معتاد را می بینم که زیر پل و گاه هم در بالای پل پخش و پلا شده اند. آدمهای زیاد از کنار این جسدها بی اعتنا می گذرند تا این که سروکله مأموران شهرداری و پولیس پیدا می شوند تا این جسدها را ببرند و در گوشه ای از این شهر زیر خاک کنند. هروقت جنازه ی یکی از معتادهای زیر پل سوخته را می بینم این عنوان رمان «مرد جعبه ای» به یاد می آید: «صد هزار نفر از کنار این جنازه بی اعتنا گذشتند.» به راستی چه چیزی باعث شده است تا همه از کنار این جنازه ها بی اعتنا عبور کنند؟ و مهم تر از آن، چرا این همه اعتیاد و بدبختی؟

هر انسانی معمولاً اطرافیانش را به عنوان آدمهای جداافتاده و بسیار دور از جهان خودش می بیند. یعنی آن ها را به عنوان «دیگری» می بیند و به امکاناتی وجودی که حضور آن ها برایش فراهم می کند واقف نیست. از این رو، دیگری را به عنوان «مزاحم» و یا کسانی که هیچ نقطه ای مشترک همراهش ندارد، می بیند. اما طبق فلسفه اگزیستانسیالیسم، و خصوصاً فلسفه سارتر، «دیگری» مدام به ما هویت می بخشد. گرچند سارتر دیگری را به چشم خوش نمی دید و می گفت «دیگری، یعنی جهنم» اما همو بود که بازمی گفت در واقع ما با حضور همین افرادی که آن ها را به عنوان دیگری و جهنم می یابیم، خودمان را بهتر می شناسیم. فیلسوف دیگر به نام مارتین هایدگر اما به گونه بنیادی و رادیکال تر از سارتر این موضوع را بیان کرد و گفت هویت انسان یعنی «در جهان بودن.» طبق دیدگاه هایدگر جهان آدمی با حضور گسستناپذیرش در کنار آدمها و خود جهان است که معنا می شود. ما موجودی نیستیم که هویت مان را

دو نکته بیش از همه برجسته است. اول، نابه سامانی های سیاسی و وضعیت بحرانی جامعه؛ دوم، رخوت و بی انگیزگی مطلق در میان قشر باسواد و تحصیل کرده برای انجام کار فکری-فرهنگی. به نظر می رسد بدبختی و نابه سامانی های سیاسی حتی همین قشر تحصیل کرده را به این نتیجه رسانده که انجام کار فرهنگی و فکری در چنین جامعه ای از اساس بی فایده و اشتباه است... اما از آن جایی که این نوشته به دنبال بازگشایی این مسأله نیست در حد اشاره به این موضوع بسنده می کنیم و صرفاً این سوال را مطرح می کنیم که اگر همه ناامید باشند و مینا را بر این بگذاریم که «هیچ چیز در این جا درست نمی شود» نهایتاً ما به کجا خواهیم رسید؟ بنابه نکاتی که در بالا تذکر دادیم ترجمه به صورت کل، و ترجمه رمان «مرد جعبه ای» به صورت خاص، از جمع کارهای فرهنگی و تولیدی مهم به حساب می آید. از این رو کار رامین انوری اتفاق فرخنده و نیک در حوزه فرهنگی کشور به حساب می آید.

## جهان های آدمی

یکی از زیرعنوان های رمان «مرد جعبه ای» چنین است: «مرگی در کنار خیابان که صد هزار نفر آن را ندیده گرفتند.» این موضوع برای من تداعی کننده یک واقعیت



رامین انوری، روزنامه نگار و نویسنده قبلاً رمان «بیداری» از کیت شونین را نیز ترجمه کرده است.

رمان «مرد جعبه ای»، نوشته ی کوپوآبه نویسنده جاپانی، با ترجمه ی رامین انوری اخیراً در هرات چاپ شده است. این رمان با سبک ساختار شکنانه ای که دارد زندگی مردی را روایت می کند که در درون یک جعبه زندگی می کند و یا لاقلاً از چشم اندازی که بودن در درون یک جعبه برای آدم خلق می کند، به جهان بیرون نگاه می کند. مرد جعبه ای به شدت از دیده شدن و شهرت گریزان است و دوست دارد یک بیننده باشد تا این که دیده شود. او فکر می کند «در دیدن، عشق نهفته است و در دیده شدن، انزجار. آدمی لبخند می زند تا درد دیده شدن را تحمل کند» (مرد جعبه ای، ص ۷).

کوپوآبه به کافکای جاپان مشهور است و رمان هایش بیشتر درگیری های درونی آدمها را بیان می کند. روی هم رفته بار معنایی و وجودی رمان «مرد جعبه ای» بیش از دیگر زوایایش برجسته است و درگیری های درونی انسان را روایت می کند. «مرد جعبه ای» نشان می دهد که دنیای آدمها چقدر پیچیده، چقدر دور از هم و در عین حال چقدر نزدیک به هم است.

از آن جایی که کار ترجمه در افغانستان بسیار کم است و بازار کتاب کاملاً وابسته به ترجمه های ایرانی ها است من ابتدا تلاش می کنم نکاتی را در مورد اهمیت ترجمه و سپس خود رمان، بیان کنم.

## ترجمه همچون تفکر

مراد فرهادپور برای اولین بار در پیش گفتار کتاب «عقل افسرده» نوشت «در دوره معاصر ترجمه به وسیع ترین معنای کلمه یگانه شکل حقیقی تفکر برای ماست» (عقل افسرده، ص ۱۳). او تفکر موجود در جوامع مثل ایران را تفکر ترجمه محور نامیده است. معنای سخن فرهادپور این است که اگر امکان ترجمه برای جوامعی مثل ایران وجود نداشته باشد، تفکر از پویایی و تحرک باز خواهد ماند. او سه صفحه بعدتر می نویسد «ترجمه شکلی از تفسیر و نمونه ای از تلاش برای فهم دیگری است، و فهم دیگری سویی ضروری هرگونه خودآگاهی و تأمل در نفس است. پیوند ذاتی فهم نفس و فهم دیگری بنیان کارکرد فرهنگی ترجمه است.» و بعد علاوه می کند «امروزه ما نه فقط به ترجمه آثار کانت و هگل نیاز داریم، بلکه باید نوشته های ابن سینا و ملاصدرا را هم ترجمه کنیم. البته مسأله فقط به متون فلسفی خلاصه نمی شود. روح ترجمه روحی هرمنوتیکی است که همه سطوح و زوایای حیات فرهنگی را درمی نوردد تا شرق و غرب، و گذشته و حال، را با هم آشنا سازد. با توجه به پویایی و تغییر و تحول تاریخی زبان، ما باید اشعار فردوسی و حافظ را نیز برای خود ترجمه کنیم. فهم و تفسیر شرط ضروری هرگونه ترجمه موفق است، همان طور که هر فهم یا تفسیر موفق به نوبه خود نوعی ترجمه از زبان متن به زبان مفسر است. در واقع فهم، تفسیر و ترجمه سویه های جدایی ناپذیر فرایندی واحدند.» فرهادپور در آخرین قسمت پیش گفتار کتابش این ادعای مهم را به میان می آورد: «فقط با نوشتن و حتا غلط نوشتن است که می توان فکر کرد، و امروز فقط با ترجمه کردن است که می توان فکر کرد و نوشت.»

به باور اکثر نظریه پردازان عصر کلان روایتها سپری شده و جهان فعلی جهان خرده روایتها است؛ روایت هایی که هر کدام زوایای کوچکی از زندگی بشر در عصر حاضر و مسائل آن را بیان می کنند. خرده روایتها از کلی گویی پرهمیز کرده و ادعای قاطعیت در مورد چیزی ندارند. بخشی از این خرده روایتها می تواند در قالب داستان و یا رمان ارائه شود. حتا می توان گفت این داستان و رمان است که جهان فعلی را روایت می کند. از این رو داستان نویسی بیش از آن که یک شغل و حرفه باشد یک ضرورت است که بر جهان فعلی تحمیل می شود. از طرف دیگر، و با توجه به این که داستان های و رمان های ما هنوز التفات چندانی به این نکته به خرج نداده است ضرورت است با جهان بیرون در ارتباط شود. این ضرورت در قالب فهم و شناخت دیگری به نیت فهم و شناخت خود ما صورت می گیرد. ما از آن رو می خواهیم با جهان بیرون در ارتباط باشیم که شناخت بهتر از خود و مسائل و مشکلات مان داشته باشیم. یکی از راه هایی که برای دست یافتن به این امر مهم برای ما کمک می کند «ترجمه» است. ترجمه کاری است برای غلبه بر چالش ها، و به سخن فرهادپور، امکانی است برای تفکر کردن. نکته مهم تر از اینها اما این است که این ترجمه ها باید خوانده شود و مخاطب داشته باشد. این جا باید به یک مسأله دیگر اشاره کنیم.

جماعت کتابخوان در افغانستان بسیار کم است. ممکن است دلایل فراوان برای این کار وجود داشته باشد، اما